

واکاوی عوامل رکود آفرین و موانع اعتباری ایجاد تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

دریافت: ۱۴۰۰/۲/۳۰ تأیید: ۱۴۰۰/۶/۱۲ ابوالقاسم عظیمی*
و سیدمحمد حسینی** و محمد دشتی***

چکیده

در نظریه تمدن نوین اسلامی مطرح شده از سوی مقام معظم رهبری، یکی از محورهای اساسی مورد تأکید در اندیشه ایشان، موانع اعتباری ایجاد تمدن نوین اسلامی است که تا کنون پژوهش مستقلی با این موضوع انجام نشده است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی بر مبنای نظریه اعتباریات علامه طباطبایی و با هدف شناسایی و ارائه راه کار رفع عوامل رکود در ایجاد تمدن نوین اسلامی با تکیه بر قرآن و منابع اسلامی است و به این سؤال پاسخ می دهد که مقام معظم رهبری برای دست یابی به تمدن نوین اسلامی چه عواملی را به عنوان موانع اعتباری معرفی کرده است. یافته پژوهش حاضر این است که بی توجهی به اعتباریات هویتی و کثرت انقسامات اعتباری و نیازهای ثابت و متغیر که نتیجه آن نفوذ، وابستگی، نا امنی، خودکم بینی و تقلیدگرایی است و نیز بی توجهی به نیازهای پیش از اجتماع و پس از اجتماع و بی توجهی به چگونگی ارتباط علوم اعتباری با واقعیت های اجتماعی و مواجهه با غیریت های تمدن نوین اسلامی در اعتبارزدایی از اصول انقلاب اسلامی، خط امام و نیز سبک زندگی اسلامی و همچنین اعتبارزدایی از ضرورت مقابله با تهدیدات دشمن، از عوامل اصلی رکود در تمدن نوین اسلامی هستند.

واژگان کلیدی

نظریه تمدن نوین اسلامی، مقام معظم رهبری، نظریه اعتباریات، حکومت اسلامی

* دانشجوی دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم: Azimi8h@gmail.com

** دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه تهران: hoseini.sm@ut.ac.ir

*** عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه: Dr.dashti400@yahoo.com



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

ایجاد تمدن نوین اسلامی از مهم‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی است، تحقق پدیده‌ای در این مقیاس بدون شناخت موانع و لوازم آن امکان‌پذیر نیست. این شناخت می‌تواند زمینه‌ساز برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی باشد که ما را در رسیدن به افق تمدن نوین اسلامی کمک کند. بنابراین، لازم است پژوهش‌های تمدنی به کشف و شناسایی موانع و لوازم ایجاد این تمدن پردازند. مقام معظم رهبری با دید فلسفی، علمی و تجربه کارآمد در سخنرانی‌ها و مکتوبات خود موانع تمدن نوین اسلامی را بیان فرموده‌اند. این پژوهش در صدد بیان موانعی است که اگر از میان برداشته نشوند، دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی غیر ممکن می‌گردد. روی‌کرد پژوهش حاضر کیفی است که با شیوه توصیفی - تحلیلی و با جست‌وجو در آثار و اندیشه‌های مقام معظم رهبری به رشته تحریر در آمده است.

مفاهیم و چهارچوب نظری

این مقاله بر مبنای نظریه اعتبارات علامه طباطبایی به رشته تحریر در آمده است و مباحث تمدن، تمدن نوین اسلامی، امکان ایجاد تمدن نوین اسلامی، تفاوت تمدن نوین اسلامی با تمدن غرب و نظریه اعتباریات از جمله مفاهیم و مباحث کلیدی مستند که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

تمدن

تمدن در لغت برگرفته از واژه «مدن» به معنای اقامت‌کردن است. این واژه در انگلیسی معادل «civilization» به معنای استقرار یافتن می‌باشد (ولایتی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۳). در زبان عربی معادل «الحضاره» اقامت در شهر و کوی بزرگ است (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۰۳). فعل «حضر» و مشتقات آن در ۱۶ سوره قرآن و ۱۲۵ آیه آمده و همه به معنای حضور، وجود و استعداد است. علاوه بر این، از دیگر معانی واژه «حضارت» در قرآن، واژه‌های «عمران، عماره، تعمیر، و عُمر» هستند (مکی، ۱۳۹۲، ص ۱۸-۱۷).

در اصطلاح، تمدن پدیده‌ای به‌هم‌تنیده را می‌گویند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و هنر و ادبیات را در برمی‌گیرد (لوکاس، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴).
توین بی، تمدن را حاصل نبوغ اقلیت نوآور می‌داند (دورانت، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵) و در تعریفی تمدن تشکل انسان‌ها با روابط عالی و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی برای رسیدن به حیات معقول است (جعفری، ۱۳۵۹، ج ۵، ص ۱۶۲).

تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری رسیدن به حیات طیبه «فَلْتَحْيِيَنَّاهُ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل (۱۶): ۹۷)، پیشرفت‌های مادی و معنوی بر اساس اسلام و معارف اهل بیت پیامبر : با محوریت انقلاب اسلامی و مساعدت علمای دین و روشن‌فکران راستین جهان اسلام است که در آن انسان‌ها از معیشت شایسته، آسودگی، امنیت خاطر و آزادی فکر و اندیشه برخوردار می‌شوند و به سمت تعالی و فتوح معنوی حرکت می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸، ۱۳۷۴/۷/۲۲ و ۱۳۸۴/۲/۱۹).

تمدن نوین اسلامی، رسیدن به جامعه‌ای است که به خطوط آرمانی اسلام دست یافته است و در آن علم، پیشرفت، عزت، ثروت و عدالت و قدرت مواجهه با امواج جهانی وجود داشته باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۸/۲۰). تمدنی است که بشریت زخم‌خورده، مجروح و غمگین از حوادث گوناگون قرون اخیر که دچار یأس و نومیدی و افسردگی است را به آفاق جدیدی می‌رساند و دل‌های آن‌ها را شاد می‌کند و به انسان‌ها کرامت می‌بخشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۲/۳۱). دنیای اسلام وظیفه دارد روحی در این دنیا بدمد و مثل رسول خدا ﷺ راه تازه‌ای را باز و فضای جدیدی ایجاد کند که این فضای جدید و پدیده‌ای که در انتظار آن هستیم، همان «تمدن نوین اسلامی» است. این به معنای عرضه هدیه الهی به ملت‌ها است و ملت‌ها با اختیار، راه درست را انتخاب کنند و این راهی را که امروز قدرت‌های جهان بر ملت‌ها تحمیل نموده‌اند، راه غلط و گمراهی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸).

این تمدن دارای دو بخش است: ۱. بخش اصلی که متن زندگی را تشکیل می‌دهد و مواردی مانند سبک زندگی، خانواده، الگوی مصرف و رفتار با والدین و رفتار با بیگانه را در بر می‌گیرد. ۲. بخش ابزاری که شامل مواردی؛ مانند علم، صنعت، اقتصاد، ثروت، سیاست، اقتدار سیاسی، نظامی و اعتبار بین‌المللی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

مقام معظم رهبری پنج مرحله را برای رسیدن به این مقصد ترسیم نموده است. مرحله اول، انقلاب اسلامی که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ شکل گرفت، مرحله دوم، نظام اسلامی که در ۱۲ فروردین ایجاد شد و اکنون در مرحله سوم که دولت اسلامی است، قرار داریم و پس از آن جامعه اسلامی و در پایان، آرمان انقلاب که تمدن نوین اسلامی است، شکل خواهد گرفت (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۵/۲۸).

امکان ایجاد تمدن نوین اسلامی

رهبر انقلاب اسلامی با استناد به آیات قرآن کریم و تبیین شواهد تاریخی، بر این باورند که خروج از حالت رکود در دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی با تلاش جوامع اسلامی به ویژه نخبگان و علمای دین ممکن است.

در این زمینه دلیل این توانایی این است که مردم عربستان که از اولیات تمدن بشری محروم بودند و حتی سواد خواندن و نوشتن نداشتند و فاقد نظریه علمی برجسته‌ای بودند، بر اثر تعالیم اسلام و مجاهدت، تمدنی را به وجود آوردند که چندصد سال دنیا را اداره کرد و تمدن‌های دنیا را تحت الشعاع خود قرار داد. با ظهور اسلام و شکل‌گیری تمدن اسلامی، تمدن‌های کهن و دیرپا رنگ باختند؛ مثل ستاره که با آمدن خورشید، دیگر نور ندارد و این برتری تمدن اسلامی تا قرن سیزدهم میلادی ادامه داشت (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۶/۲۹).

از نگاه معظم له، امت اسلام، وظیفه دارد با بازگشت به اسلام و مجاهدت خالصانه و مخلصانه در عصر حاضر که بشریت از عمل کرد تمدن مادی غرب رنجیده و دلزده شده است، تمدن نوین اسلامی را مطابق با ارزش‌ها و فطرت پاک انسانی پایه‌ریزی کنند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَّوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» (آل عمران (۳): ۱۴۰) و

ما این روزها [شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸).

این آیه پس از شکست مسلمانان از مشرکان در جنگ احد نازل شده است و به این سنت الهی اشاره می‌کند که پیروزی در ملک هیچ کس نیست و دلیلی بر ناامیدی وجود ندارد و به زودی حرکت ایام، مشرکان را به پایین می‌کشد و مسلمانان پیروز می‌شوند (جعفری، ۱۳۸۶، ص ۲۱۱-۲۱۰). اگر جبهه حق عوامل پیروزی را در خود جمع کند و به آرمان‌های خود معتقد باشد و برای آن‌ها مبارزه کند، به پیروزی دست می‌یابد.

مسلمانان در جنگ بدر، خودشان شرایط پیروزی را فراهم آوردند و با ایجاد این شرایط طبق سنن تاریخ به پیروزی می‌رسیدند، اما در جنگ احد شرایط پیروزی را ایجاد نکردند، در نتیجه شکست خوردند. بنابراین، موفقیت یک حق طبیعی است و برای ایجاد آن باید زمینه را فراهم آورد (شهید صدر، ۱۳۸۱، ص ۵۴).

اروپایی‌ها از دانش، تجربه و فلسفه مسلمانان استفاده کردند و تمدن خود را ساختند، امروز نوبت ما است که از دانش جهان بهره ببریم و تمدن اسلامی را با معنویت و روح اسلامی برپا کنیم و این کار شدنی است؛ زیرا کشورهای اسلامی ابزارهای فراوانی؛ مانند جمعیت، سرزمین‌های خوب، موقعیت جغرافیایی برجسته، منابع طبیعی بسیار و نیروهای انسانی با استعداد و برجسته دارند که اگر این نیروهای انسانی با تعالیم اسلام و مستقل تربیت شوند، می‌توانند در عرصه علم، سیاست، فناوری و عرصه‌های گوناگون اجتماعی، آفرینش‌های هنرمندانه خود را آشکار نمایند (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸).

بنابراین، می‌توانیم با استفاده از ظرفیت‌های مادی و معنوی که به برکت اسلام و انقلاب اسلامی فراهم شده است، مراحل رسیدن به تمدن نوین اسلامی را طی کنیم.

تفاوت تمدن نوین اسلامی با تمدن غرب از منظر مقام معظم رهبری

تمدن نوین اسلامی با تمدن غرب، از جهات مختلف متمایز است و از منظر

وجدان‌های بیدار و عقل سلیم، به لحاظ تأمین نیازهای مادی و معنوی بشر، کفه تمدن نوین اسلامی نسبت به تمدن غربی بی‌نهایت سنگین‌تر است و طبعاً عقل سلیم، زندگی به سبک اسلامی، مبتنی بر معیارهای قرآنی و در چارچوب تمدن نوین اسلامی را بر می‌گزیند. در این بحث، مهم‌ترین تمایزات تمدن نوین اسلامی با تمدن غرب را از منظر رهبر انقلاب اسلامی مرور می‌کنیم.

۱. در تمدن مادی‌گرای غرب، هدف اصلی در زندگی بشر قدرت، ثروت و لذت است (حسنی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۰-۱۳۹). هم‌چنین رشد تکنیک، رفاه مادی و افزایش و سیطره آدمی بر طبیعت است (زرشناس، ۱۳۸۰، ص ۲۰ و ۲۵). اما تمدن نوین اسلامی، معنویت و رفاه را در کنار یک‌دیگر می‌خواهد و معیار پیشرفت، التزام به رعایت قسط و عدل و مجاهدت در راه حق و تقوای الهی است.

در قرآن کریم، خداوند می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (صف (۶۱): ۱۱-۱۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی بخشد؟ به خدا و پیامبرش ایمان آورید و با اموال و جان‌های‌تان در راه خدا جهاد کنید، این برای شما از هر چیز بهتر است، اگر بدانید.

و در سوره آل عمران می‌فرماید:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران (۳): ۱۶۹)؛ ای پیامبر! هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند! بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

۲. در تمدن غرب، بدون توجه به حیات اخروی و نیز وحی و معنویت راستین، معیار در باید‌ها و نبایدها، خواست انسان است، اما در تمدن نوین اسلامی، تعیین این اصول بر مبنای عقل و شرع است.

۳. در زمینه حقوق اجتماعی و حقوق بین الملل، تفاوت چشم‌گیری بین تمدن غرب و تمدن نوین اسلامی وجود دارد و تمدن غرب یا حقوق اجتماعی برابر همه انسان‌ها را نمی‌پذیرد و یا اگر از بُعد نظری آن را بپذیرد، در مقام عمل به آن ملتزم نیست. رهبر انقلاب برخی از مصادیق عدم التزام غرب به اصول اخلاقی و انسانی را یادآورد شده‌اند. از جمله این‌که در ماجرای کرونا، ماسک‌ها و دستکش‌های برخی از کشورها توسط آمریکا و برخی کشورهای اروپایی مصادره شد و از معالجه بیماران سالمند خودداری کردند و برای چند دستمال توالت، غربی‌ها به جان هم افتادند که یکی از سناتورهای آمریکایی گفته بود: «غرب وحشی زنده شده است».

به اعتقاد رهبر انقلاب، غربی‌ها امروز به این مسأله معترفند که غرب بر خلاف ظاهر اتوکشیده و ادلکن‌زده خود، دارای یک روح وحشی است و می‌فرمایند: «این البته نتیجه منطقی و طبیعی فلسفه حاکم بر تمدن غربی است؛ یعنی فلسفه فردگرایی و فلسفه مادی‌گری؛ فلسفه‌های غالباً بی‌خدایی که اگر اعتقادی هم به خدا است، آن اعتقاد، توحیدی، صحیح، عمیق و معرفت‌زا نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱/۲۱).

این تمدن در خارج از اروپا با استعمار، برده‌داری، بهره‌کشی از جهانیان و درازدستی و غارت سرزمین‌های ملت‌های آفریقایی و آسیایی به ثروت زیادی دست یافت و در داخل با استثمار دهقانان فقیر، کارگران صنعتی که در گرسنگی و رنج به سر می‌بردند، به شکوه و عظمت رسید (حائری، ۱۳۸۰، ص ۸۳-۵۱).

نتیجه غارت‌گری غرب، بیماری، فقر، بی‌کاری، مرگ و آوارگی میلیون‌ها انسان در سرتاسر جهان بود و استعمارگران در قالب‌های مختلف (استعمار کهنه، نو، فرانسه) در زمان‌های مختلف با تغییر و نوسان، اهداف ضد انسانی خود را دنبال نمودند، منابع و سرزمین‌های حکومت‌های وابسته به خود را با تهدید ربودند تا سطح رفاه ملت خود را افزایش دهند.

در حالی که در تمدن نوین اسلامی، عدالت اجتماعی و برابری در حقوق بین الملل، بر اساس موازین و مقررات اسلامی خاستگاه الهی دارد و خداوند متعال هشدار می‌دهد:

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا»
(مائده (۵): ۳۲)؛ هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین
بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته و هر کس، انسانی را از
مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را حیات بخشیده
است.

در نتیجه، در تمدن اسلامی تولید سلاح‌های کشتار جمعی، اتمی و شیمیایی ممنوع
است. افزون بر این که اساساً کشتن هر فرد بی‌گناهی به هر نحوی که باشد، کیفر
اخروی غیر قابل تصویری دارد. هم‌چنین در تمدن اسلامی، مال، عرض و ناموس همه
انسان‌ها در سرتاسر دنیا محترم و مورد حمایت نظام اسلامی است. اما در تمدن غرب،
جان، مال و ناموس مردم جهان فقط بر روی کاغذ محترم است و در عمل تعرض به
حقوق انسان‌ها سود و دست آورد مثبت تلقی می‌شود، مگر این که زورشان نرسد و یا
از واکنش و مقاومت طرف مقابل ترس داشته باشند.

و نیز در نظام تربیتی تمدن غرب، مقوله تزکیه نفس هیچ جایگاهی ندارد و معیار در
کنترل نفس و شهوات، رفع مزاحمت برای دیگران است. این نظام تربیتی، انسان را تا
حد یک حیوان هوشمند پایین می‌آورد؛ در حالی که نظام تربیتی اسلام، تنزل انسان در
حد حیوان هوشمند را از بزرگ‌ترین خسارت‌ها می‌داند و تزکیه انسان از رذایل
اخلاقی؛ نظیر عجب، فریب، فحشا و ... را لازمه فلاح و رستگاری می‌داند و خداوند در
قرآن کریم می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس (۹۱): ۱۰-۹)؛ که
هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده رستگار شده و آن که نفس خویش را با
معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است.

در تمدن غرب، علم تجربی برای کسب قدرت، ثروت، لذت و تولید گسترش
یافت، اما از نظر تزکیه، ایمان دینی، اخلاق و معنویت دچار انحطاط شد و این در تضاد
با هدف انبیای الهی است؛ زیرا هدف از ارسال رُسُل، تعلیم و تزکیه و در نهایت
سعادت دنیا و آخرت انسان است و خداوند می‌فرماید:

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ

آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»
(آل عمران(۳): ۱۶۴)؛ به يقين، خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت، تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاک‌شان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد، قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

بر اساس این آیه و آیات دیگر، تزکیه بر تعلیم مقدم است.

از منظر رهبر معظم انقلاب، علم در تمدن غرب، در خدمت فحشا، دزدی اطلاعات، جاسوسی، مواد مخدر، زد و بند در جاهای مختلف دنیا، تجاوز به ملکت‌ها، استعمار، خونریزی و جنگ قرار گرفته است (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۶/۱۲).

نظریه اعتباریات

پژوهش پیرامون تمدن نوین اسلامی نیازمند استفاده از نظریه‌های اسلامی و بومی است. در این میان، نظریه اعتباریات علامه طباطبایی در ساماندهی به پژوهش‌های تمدنی مؤثر است. در این نظریه، ادراکات حقیقی و ادراکات اعتباری از یک‌دیگر تفکیک شده‌اند. عدم تمایز بین ادراکات حقیقی و اعتباری از بزرگ‌ترین مسائل مبتلابه دانشمندان در توصیف و تبیین پدیده‌های اجتماعی است. از نتایج بی‌توجهی به تفاوت بین ادراکات حقیقی و اعتباری، خلط روش‌شناسی بین دو قلمرو حقیقی و اعتباری است. شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

تمیز و تفکیک ادراکات حقیقی از ادراکات اعتباری، بسیار لازم و ضروری و عدم تفکیک آن‌ها از یک‌دیگر بسیار مضر و خطرناک است و همین عدم تفکیک است که بسیاری از دانشمندان را از پا درآورده است که بعضی از اعتباریات را به حقایق قیاس کرده و با روش‌های عقلانی مخصوص حقایق در اعتباریات سیر کرده‌اند و بعضی به عکس، نتیجه مطالعات خود را در مورد اعتباریات در باره حقایق تعمیم داده‌اند و حقایق را مانند اعتباریات مفاهیمی نسبی و متغیر و تابع احتیاجات طبیعی پنداشته‌اند (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۷۲).

علامه در ابتدای مقاله ششم از کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم که «ادراکات اعتباری» نام دارد، علوم اعتباری را به سه بخش تقسیم می‌کند: ۱. کیفیت پیدایش علم اعتباری از انسان. ۲. کیفیت پیدایش کثرت در علوم اعتباریه (انقسامات) و ۳. کیفیت ارتباط علوم اعتباریه با آثار واقعی و حقیقی؛ یعنی با اعمال خارجی وجود انسان (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۲۴). از دیدگاه علامه انسان با پیمودن این سه مرحله: «علوم ساخته خود را توسط نموده و با حقایق کمالی خود استکمال می‌ورزد» (همان). ما در این جا به تبیین این سه مرحله می‌پردازیم.

کیفیت پیدایش علم اعتباری توسط انسان

از دیدگاه علامه طباطبایی اعتباریات حاصل احتیاجات انسان است: «ادراکات اعتباری، فرض‌هایی است که ذهن به منظور رفع احتیاجات حیاتی، آن‌ها را ساخته و جنبه وضعی، فرضی و اعتباری دارد» (همان، ص ۲۶۹). علامه معتقد است: «هر اعتباری را حقیقتی است» (همان، ص ۲۲۷). بنابراین، می‌توان گفت اعتباریات بایدهایی است که از هست‌ها سرچشمه می‌گیرد. به عبارت دیگر، بدون هست‌ها باید‌ها شکل نمی‌گیرند؛ زیرا نظام اعتباری و قراردادی انسان‌ها برگرفته از هستی‌شناسی آن‌هاست، بر همین اساس در یک تمدن برآمده از مبانی اسلامی، نظام اعتباری مطلوب برگرفته از هستی‌شناسی اسلامی است، چنین نظامی تکیه بر حقایق تکوینی دارد. در نتیجه اعتباریات تمدن نوین اسلامی هماهنگ با اهداف دین است. به طور کلی اعتباریات نماد روابط عینی و حقیقی میان افعال انسان و نتایج آن‌هاست (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۰۷).

کیفیت پیدایش تنوع در علوم اعتباری (انقسامات)

از ویژگی‌های نظریه اعتباریات علامه، تقسیم‌بندی دقیق نسبت به کثرت و نوع اعتباریات است. علامه ابتدا اعتباریات را به ثابت و متغیر و پیش از اجتماع و پس از اجتماع تقسیم می‌کند و کیفیت پیدایش، کثرت، تنوع و شیوه کاربرد مفاهیم اعتباری را توضیح می‌دهد.

منظور از اعتباریات ثابت، ادراکاتی است که تابع احتیاج‌های انسان است و با تغییر محیط زندگی تغییر نمی‌کند، اما ادراکات اعتباری متغیر حاصل نیاز و عوامل محیطی است. علامه در توضیح این تقسیم‌بندی می‌نویسد:

ادراکات حقیقی تابع احتیاجات طبیعی موجود زنده و عوامل مخصوص محیط زندگانی وی نیست و با تغییر احتیاجات طبیعی و عوامل محیط تغییر نمی‌کند و اما ادراکات اعتباری تابع احتیاجات حیاتی و عوامل مخصوص محیط است و با تغییر آن‌ها تغییر می‌کند. ادراکات حقیقی قابل تطور و نشو و ارتقا نیست و اما ادراکات اعتباری یک سیر تکاملی و نشو و ارتقا را طی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۶۹).

منظور علامه از اعتباریات قبل از اجتماع مواردی است که برآمده از نیازهای فردی (طبیعی) انسان است؛ زیرا انسان در هر شرایطی به آن‌ها نیازمند است، اما اعتباریات بعد از اجتماع تابع نیازهای اجتماعی است. در واقع انسان متناسب با نیازهای اجتماعی به خلق و وضع اعتباریات دست می‌زند: «افعالی که متعلق قسم اول هستند، با هر شخص قائم‌اند و افعالی که متعلق قسم دوم می‌باشند، با نوع مجتمع قائم‌اند» (همان، ص ۲۰۲). از دیدگاه علامه، مهم‌ترین ویژگی‌های اعتباریات قبل الاجتماع عبارتند از: ۱. وجوب و ضرورت؛ انسان آنچه را که واجب و ضروری می‌پندارد، برایش اعتباریات خلق می‌کند (همان، ص ۲۰۳). ۲. حسن و قبح؛ انسان بر اساس برداشتی که از حسن و قبح دارد، مطابق با آن برداشت به وضع اعتباریات می‌پردازد (همان). ۳. اخف و اسهل؛ انسان در خلق اعتباریات آنچه که آسان و سهل است را در اولویت قرار می‌دهد (همان، ص ۲۰۴). ۴. استخدام و اجتماع؛ انسان از جمله موجوداتی است که برای بقای خود نیازمند استخدام و استفاده از هم‌نوعان خود است، این نیاز انسان را به وضع اعتباریات جهت استخدام متقابل تشویق می‌کند (همان، ص ۲۰۶) و ۵. اصل متابعت علم با واقع؛ انسان دانش و معرفت خود را مطابق با واقعیت می‌داند و متناسب با آن به خلق اعتباریات می‌پردازد (همان، ص ۲۱۰).

از نظر علامه اعتباریات بعد الاجتماع، نیازهای اجتماعی گسترده و غیر قابل

شمارش هستند. ایشان در کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم به چهار مورد از آن‌ها اشاره می‌کند که عبارتند از: ۱. اصل ملک و تملک؛ آنچه را که انسان متعلق و مختص به خود می‌داند، برایش اعتبار مالکیت خلق می‌کند و تصرف در آن را تنها برای خود جایز می‌داند (همان، ص ۲۱۷). ۲. اصل کلام و سخن؛ انسان‌ها برای ارتباط با یکدیگر مفاهیم اعتباری می‌سازند (همان، ص ۲۱۸). ۳. اصل ریاست و مرئوسیت، و لوازم آن‌ها؛ در جامعه انسانی به مقتضای گزینه استخدام، همواره عده‌ای به سبب توانایی، امکانات و قابلیت بیش‌تر در رأس جامعه قرار می‌گیرند و افراد دیگر را استخدام می‌کنند، در نتیجه وجود فعال خود را بزرگ‌تر می‌کنند (همان، ص ۲۲۰) و ۴. اصل تساوی طرفین (مبادله‌ها و ارتباطات دو طرفه) بخشی از اعتباریات حاصل نیازهای مساوی و دو طرفه انسان‌ها به یکدیگر است (همان، ص ۲۲۳).

کیفیت ارتباط علوم اعتباریه با آثار واقعی و حقیقی؛ یعنی با اعمال خارجی وجود انسان
علامه برای تبیین ارتباط علوم اعتباری با آثار واقعی و اعمال خارجی وجود انسان، به پنج اصل اشاره می‌کند که عبارتند از:

۱. تمامی موجودات در دایره هستی خود فعال هستند.
۲. همه موجودات برای بقای خود تلاش می‌کنند.
۳. فعالیت و حرکت هر موجودی به سمت کمال غایی آن موجود است.
۴. انسان‌ها حرکت استکمالی خود را بر اساس علم و فکر انجام می‌دهند.
۵. علم و فکری که حرکت استکمالی انسان را پیش می‌برد، علم و فکر اعتباری است (همان، ص ۲۲۴-۲۲۵).

یافته‌ها

با توضیح چهارچوب نظریه اعتباریات و محور قراردادن آن در واکاوی عوامل رکودآفرین تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، اندیشه و دیدگاه مقام معظم رهبری مطابق با مؤلفه‌ها و اصول این چارچوب نظری، توصیف و تحلیل می‌گردد. یافته‌های این مقاله در سه بخش ذیل قابل ارائه است که عبارتند از:

بی‌توجهی به نیازهای اعتباری در ایجاد تمدن نوین اسلامی

در نظریه اعتباریات انسان و به تبع آن، اجتماع انسانی از هر نوع آن، نیازمند خلق و وضع اعتباریات است، در صورتی که چنین نیازی درک نشود، نمی‌توان انتظار خلق و وضع اعتباریات و در نتیجه آن بایدها و نبایدهای تمدنی را مشخص کرد. بنابراین، نسبت به پدیده تمدن نوین اسلامی اولین پرسشی که مطرح می‌شود، میزان درک و فهم از نیازهای تمدن نوین اسلامی است. مقام معظم رهبری بر این نیاز تمدنی تأکید دارند. اما هم‌چنان شاهد بی‌توجهی به این توصیه‌ها هستیم.

ما به دلایل گوناگون قادریم که در بخش‌های مختلف تمدنی کشور و تمدنی نظام، تحوّل ایجاد بکنیم... انتظار من از خودم و از جوان‌های مان و از ملت‌مان و از نخبگان مان این است که در فکر ایجاد تحوّل در بخش‌های مختلفی که نیاز هست، باشیم (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۳/۱۴).

بنابراین، اساسی‌ترین مانع ایجاد تمدن نوین اسلامی بی‌توجهی به نیازهای اعتباری است که از جمله خلق و وضع اعتباریات هویتی است؛ زیرا بزرگ‌ترین مانع، ریشه در فقدان اعتباریات هویتی دارد و نتیجه بی‌هویتی جامعه از منظر مقام معظم رهبری، به راحتی مغلوب‌شدن در مقابل صداهای بلند تحکم‌آمیز است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۷/۲۲).

هویت اسلامی بیان‌گر تمایز و تفاوت تمدن نوین اسلامی با غیرت‌های خود است. در اسلام، هویت، با تقوا، علم، صبر و مقاومت، معنویت، ایثار و عمل به فرائض اسلامی و ترک محرّمات ارزیابی می‌شود، اگر این اصول در ملت و جامعه اسلامی کم‌رنگ شود، طبق فرموده مقام معظم رهبری نتیجه آن یک مرگ تمدنی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۳/۱۴).

هم‌چنین از ثمرات فقدان اعتباریات هویتی اعتماد به دشمن، نفوذ دشمن و نا امنی در حوزه سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع است. این مطلب در آثار و اندیشه مقام معظم رهبری مورد توجه جدی قرار گرفته است، اما برخی از عناصر ضد انقلاب یا نادان، این مسأله را توهم توطئه دانسته‌اند. «بعضی اصل دشمن را انکار می‌کنند. وقتی ما می‌گوییم دشمن داریم، می‌گویند آقا، شما دچار توهمید؛ توهم توطئه! خود این

مطرح کردن توهم توطئه، به نظر ما یک توطئه است؛ برای این که حساسیت‌ها را کم کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۱۴). در ادامه به اختصار، دو مورد از آثار و نتایج کم‌رنگ‌شدن عناصر هویت اسلامی را بیان می‌کنیم.

الف) نفوذ

ایجاد تمدن نوین اسلامی مهم‌ترین آرمان انقلاب اسلامی است. در تقابل با این هدف، دشمن، ظرفیت‌های خود را به کار گرفته است. بخشی از عمل‌کرد آشکار دشمن؛ اعم از جنگ، تهدید و تحریم بر کسی پوشیده نیست، اما بخش خطرناک این تقابل، نفوذ گسترده در ابعاد مختلف ساختارهای انقلاب اسلامی از جمله نهادهای تصمیم‌ساز نظام جمهوری اسلامی است. چنین نفوذی در جغرافیای ایران اسلامی با شدت و دقت زیاد در سرتاسر جغرافیای تمدنی اسلام در دستور کار سرویس‌های اطلاعاتی دشمن است: «مهم‌ترین خطر، دخالت و تأثیرگذاری جبهه کفر و استکبار در ساخت نظام جدید سیاسی در این کشورها است. آنان همه کوشش خود را به کار خواهند برد تا نظام‌های جدید، هویت اسلامی و مردمی نیابد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۸/۱۴). نفوذ از پیچیده‌ترین و پنهان‌ترین عملیات‌های دشمن است؛ هم‌چنان‌که امیر المؤمنین امام علی ۷ می‌فرماید: «شَرُّ الْأَعْدَاءِ بَعْدَهُمْ غُوراً وَ اخْفَاهُمْ مَكِيدَةً» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۹، ص ۵۲۹)؛ بدترین دشمنان، کسی است که فکر و اندیشه‌اش دورتر و کینه‌اش پنهان‌تر است.

مقام معظم رهبری معتقدند دشمن به این نتیجه رسیده که فقط با نفوذ فرهنگی و تغییر ذهن‌ها و تحریک هوس‌ها می‌تواند بر جمهوری اسلامی غلبه کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۶/۱۱). در نتیجه برای نفوذ و کم‌رنگ‌کردن عناصر هویت اسلامی از رسانه‌ها، فضای مجازی و فناوری اطلاعات، بیش‌ترین استفاده را می‌کند: «امروز دشمنان به زوایای زندگی من و شما ملت انقلابی، با دقت دارند نگاه می‌کنند که شاید نقطه ضعفی پیدا کنند و از آن‌جا نفوذ کنند؛ این مناطق نفوذ دشمن را شناسایی کنید، در مقابل آن‌ها صف‌آرایی کنید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۲/۷). در همین زمینه به نقش گسترده سرویس‌های

اطلاعاتی در نفوذ اشاره می‌کند و از چنین نفوذی به جنگ تعبیر می‌کند: «در این جنگ، شیوه‌ها و روش‌های مختلفی در دستور کار است؛ از «نفوذ و سرقت اطلاعات» و «تغییر محاسبات تصمیم‌گیران» و «تغییر باورهای مردم» تا «ایجاد نابسامانی مالی و اقتصادی» و ایجاد آشفتگی‌های امنیتی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱/۲۹).

ب) نا امنی

از ثمرات از دست رفتن عناصر هویتی؛ مثل ولایت‌پذیری، ایثار و اعتقاد به ارزش‌های اسلامی و انقلابی و از ثمرات اعتماد به دشمن، نفوذ و نا امنی است. در حالی که امنیت اولین و ضروری‌ترین نیاز انسان، جوامع و تمدن‌ها است. به تعبیر مقام معظم رهبری، امنیت نباشد، هیچ چیز نیست: «امنیت که نبود، هیچ چیز نیست. امنیت مثل هوا برای انسان، به طور مستمر لازم است. جامعه امنیت نداشته باشد، حالت اختناق پیدا می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۴/۲۵). نا امنی موجود در جهان اسلام که ثمره نفوذ و بی‌توجهی به عناصر اصیل هویت اسلامی است، سهم زیادی در جلوگیری از ایجاد تمدن نوین اسلامی دارد. نا امنی ارتباط مستقیمی با اعتباریات هویتی دارد. برای توضیح می‌توان گفت، وقتی اعتباریات مورد نیاز هویت کلان تمدن نوین اسلامی به درستی خلق و وضع نشود و هویت‌های قومی، مذهبی و ملی در مقابل یک‌دیگر قرار بگیرند، بستر مناسبی برای توطئه دشمن شکل می‌گیرد، در نتیجه می‌توان گفت نا امنی‌ها و نزاع‌های بی‌پایان در جهان اسلام ثمره بی‌توجهی به نیازهای اعتباری مناسب با تمدن نوین اسلامی است. نا امنی در امت اسلامی از عوامل رکود و از موانع اساسی در رسیدن به حیات طیبه، پیشرفت و تمدن‌سازی است.

در حال حاضر که ایران اسلامی توانسته است به توفیقات گسترده‌ای دست پیدا کند و دوران پیشرفت سیاسی، اقتصادی، نظامی و علمی گسترده را سپری کند، دشمنان انقلاب اسلامی برای این‌که این انقلاب به اهداف خود نایل نگردد، گسترش نا امنی را به عنوان یک برنامه راهبردی دنبال می‌کنند، از بعد پیروزی انقلاب اسلامی برنامه‌های متنوعی را برای جلوگیری از پیشرفت انقلاب اسلامی به مرحله اجرا در آوردند

(خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۶/۱۰). در رأس برنامه‌های دشمن که جدی‌ترین تهدید برای پیشرفت و تمدن‌سازی است، گسترش نا امنی با روش‌های مختلف؛ مانند ترور، خراب‌کاری، دامن‌زدن به اختلافات مذهبی و قومی، قبیله‌گرایی سیاسی و جناحی است. البته رهبر انقلاب حزب‌گرایی با هدف کانال‌کشی برای هدایت‌های دینی، عقیدتی و سیاسی، نه با هدف قدرت‌طلبی را مطلوب می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱/۱). در حوزه امنیت، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتدار و امنیت در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی، نیروی انسانی به ویژه جوانان با انگیزه است که در جهت دفاع از استقلال، نقشی بی‌بدیل دارد. مقام معظم رهبری هشدار می‌دهد که در صورت بروز اختلال در هویت فرهنگی و معنوی جوانان، آنان انگیزه خود را در برابر هجوم دشمن از دست خواهند داد و چه بسا بی‌جیره و موجب برای دشمنان کار کنند و می‌فرمایند: «توانایی‌هایی که در جوان هست، می‌تواند معجزه کند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۱). مقام معظم رهبری در توصیه به جوانان می‌فرماید:

یأس بزرگ‌ترین آفت جوانان است، جوان‌ها بدانند که متأسفانه یأس به روح جوان زودتر راه پیدا می‌کند؛ هم‌چنان‌که امید این گونه است. در مقابل یأسی که دشمن می‌خواهد به جوان‌ها تلقین و تزریق کند، خودتان را مصونیت بدهید (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۸/۱۰).

بی‌توجهی به کثرت، تنوع و اقسام مفاهیم اعتباری در ایجاد تمدن نوین اسلامی

نظریه اعتباریات به موضوعی ورود کرده است که در شکل‌دهی به پدیده‌های کلانی؛ مانند تمدن نوین اسلامی بسیار تأثیرگذار است. این موضوع همان توجه به تنوع اعتباریات و تقسیم‌بندی آن‌ها است. علامه در نظریه اعتباریات به این موضوع اشاره می‌کند که انسان‌ها متناسب با نیازهای خود به خلق و وضع اعتباریات دست می‌زنند و بر اساس آن عمل می‌کنند. نکته مهم نظریه علامه در این است که به رابطه نیاز و وضع اعتبار اشاره می‌کند. این رابطه زمانی اهمیت پیدا می‌کند که به دوگانگی‌های موجود و تعدد نیازها در اجتماع توجه کنیم. در یک اجتماع، نیازهای متعددی وجود دارد؛ مانند نیاز فردی، اجتماعی، ثابت و متغیر؛ توجه به این نیازها همان چیزی است که علامه

بحث کثرت و انقسامات اعتباریات را به آن اختصاص داده است. در واقع ایجاد تمدن نوین اسلامی از مسیر توجه به این نیازها می‌گذرد.

نیازهای ثابت و متغیر و آثار بی توجهی آنها

بخشی از نیازها ثابت و عام است و هر فردی در هر شرایطی به آنها نیاز دارد. اگر در جامعه، انسان‌ها در رفع نیازهای ثابت خود ناتوان باشند، نمی‌توان از آنها انتظار همراهی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی داشت. بیانات مقام معظم رهبری با موضوعاتی نظیر فقرزدایی، تولید، خودکفایی، عدم وابستگی و قوی‌شدن در همین رابطه قابل تحلیل و بررسی است. از جمله این‌که ایشان قوی‌شدن در زمینه‌های مختلف نظامی، امنیتی، اقتصادی و حفظ هویت را لازم می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۱۲/۵).

بی توجهی به نیازهای ثابت و متغیر مورد نیاز تمدن اسلامی، آثاری؛ مانند وابستگی، خودکم‌بینی و تقلیدگرایی به دنبال دارد که با توجه به دیدگاه مقام معظم رهبری، برخی از این موارد را به اختصار بیان می‌کنیم.

وابستگی

امروزه امت اسلامی به صورت گسترده وابسته به بیگانگان در دریافت کالاها و نسخه‌های مغایر با هویت تمدنی خود است. این وابستگی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی عمق یافته است؛ به گونه‌ای که بخش زیادی از ملت‌های مسلمان تلاش در رفع این وابستگی را عملی بی فایده می‌دانند. این‌که امت اسلامی با ظرفیت‌های بی نظیر، این‌چنین وابسته شده است، دلیل آن را باید در برآورده‌نشدن نیازهایی دانست که در نظریه اعتباریات از هم تفکیک شده است.

در گفتار مقام معظم رهبری از وابستگی به «آفت بزرگ» و «مادر آفت‌های ملی» یاد شده است (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۳/۱۴). از نظر وی، برای یک جامعه، «خفتی بالاتر از وابستگی نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱/۲۸)؛ چرا که «وابستگی بی چارگی می‌آورد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۷/۲۶). جامعه وابسته از پیشرفت علمی، اقتصادی، فکری و فرهنگی محروم می‌شود، منابع و ثروت‌های طبیعی آن به غارت می‌رود و ضعیف و عقب‌افتاده

بار می‌آید. ایران دوره پهلوی نمونه‌ای از جامعه وابسته بود، کسانی بر این ایران حکومت می‌کردند که معتقد بودند باید به قدرت حاکم جهانی متکی باشیم، چون قوی هستند، باید زیر سایه آن‌ها زندگی کنیم: «سران رژیم گذشته ایران ... می‌گفتند آمریکا، یا بعضی از ممالک اروپایی، پولدار، قوی، صاحب علم و دارای سلاحند، چرا ما خودمان را از این‌ها جدا کنیم؟! چرا ما دنباله‌روی این قدرت‌ها نباشیم؟» (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۲/۱۳). گستره وابستگی در ایران دوره پهلوی حالتی را ایجاد کرده بود که نتیجه آن پذیرش برتری ذاتی بیگانگان بود، در چنین شرایطی علم و ثروت، پیشرفت، نوآوری و سازندگی از ویژگی‌های بیگانگان به حساب آمده است.

خودکم‌بینی

از نتایج وابستگی، خودکم‌بینی و احساس درماندگی و ناتوانی است، در چنین شرایطی ظرفیت‌های مادی و معنوی به درستی استفاده نمی‌شود. یکی از موانع ایجاد تمدن نوین اسلامی، همین احساس درماندگی است که سرچشمه آن را باید در بی‌توجهی به برطرف کردن نیازهای تمدنی؛ مانند نیازهای فرهنگی و اقتصادی جست‌وجو کرد. خودکم‌بینی ظرفیت‌های مادی و معنوی را زمین‌گیر می‌کند، بلکه ظرفیت معنوی عظیم متکی به ایمان و قدرت خداوند را کم‌رنگ می‌نماید، اقدام‌های شتاب‌زده، نگاه‌های بدبینانه و فراموش کردن امدادها و سنت‌های الهی، نمونه‌ای از عوارض خودکم‌بینی است: نباید با نگاه شتاب‌زده یا بدبینانه به این چشم‌انداز نگریست. بدبینی به توانایی‌ها، خود کفران نعمت الهی است، غفلت از امداد الهی و نیز بی‌خبری از کمک سنت‌های آفرینش، فروغ‌لطفیدن به ورطه: «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ» (فتح (۴۸): ۶) است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۹).

تقلیدگرایی

نتیجه بلافصل خودکم‌بینی تقلیدگرایی است که امروزه امت اسلامی گرفتار آن است؛ تقلیدگرایی از موانع دستیابی به تمدن نوین اسلامی است که معمولاً ملت‌هایی که در مقابل توسعه فنی، علمی و مادی غرب دچار خودباختگی شده‌اند و روحیه یأس

و ناامیدی بر آنها غالب گردیده و اعتماد به نفس خود را از دست داده باشند، مقلد می‌شوند. البته مقام معظم رهبری به استفاده از ویژگی‌های مثبت تمدن غرب توصیه می‌کنند:

یکی از خصوصیات خوبی که اروپایی‌ها دارند، خطرپذیری است، منشأ موفقیت‌های آنها این بوده است. آیا غرب‌زده‌های ما این را گرفتند و به ایران آوردند؟ ... آیا این روحیه تلاش خستگی‌ناپذیر فقط برای علم را به ایران آوردند؟ این‌ها بخش‌های خوب فرهنگ غربی بود. این‌ها را که نیاوردند، پس چه چیزی را آوردند؟ اختلاط زن و مرد و آزادی و عیاشی و پشت میزنشینی و با ارزش قلمداد کردن لذات و شهوات را آوردند (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۱۲).

ب) اعتباریات پیش از اجتماع و پس از اجتماع و آثار بی‌توجهی آنها

در یک تقسیم دیگر، علامه اعتباریات را به پیش از اجتماع و پس از اجتماع تقسیم می‌کند که توجه به آن در ایجاد تمدن نوین اسلامی بسیار راهبردی و ضروری است. در نیازهای پیش از اجتماع یکی از موارد، حالت ضرورت و وجوب است؛ یعنی تا چیزی ضرورت پیدا نکند، انسان برای آن اقدام نمی‌کند. نسبت امت اسلامی با ایجاد تمدن نوین اسلامی نیز باید نسبت ضرورت و وجوب باشد تا تمدن نوین اسلامی محقق شود و پس از آن، شناخت نیازها و عمل به وظایف است که در این زمینه رهبر انقلاب می‌فرماید:

جهان اسلام باید عوامل تفرقه را بزداید. وحدت علمای دین، راه حل‌های اسلامی برای سبک زندگی نوین اسلامی را کشف می‌کند. هم‌کاری دانشگاه‌های ما علم و فناوری را ارتقا بخشیده، زیربنای تمدن جدید را خواهد ساخت. هماهنگی رسانه‌های ما فرهنگ عمومی را از ریشه اصلاح خواهد کرد. ارتباط نیروهای مسلح ما جنگ و تجاوز را از همه منطقه دور خواهد کرد. ارتباط بازارهای ما، اقتصاد کشورهايمان را از سلطه کمپانی‌های غارت‌گر بیرون خواهد آورد. رفت و آمدها و سفرهای مردم ما، هم‌زمانی،

همدلی، وحدت و دوستی به ارمغان خواهد آورد. دشمنان شما و ما می‌خواهند اقتصاد خود را با منابع کشورهای ما، عزت خود را با ذلت ملت‌های ما و صدرنشینی خود را با تفرقه ما تأمین کنند. می‌خواهند ما و شما را به دست خودمان نابود کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷).

مورد دوم اعتباریات قبل الاجتماع، حسن و قبح و مورد سوم، انتخاب اخف و اسهل است که با تطبیق در حوزه تمدن‌سازی شایسته‌ترین، سبک‌ترین و آسان‌ترین راه‌ها را باید انتخاب کرد. شایسته‌ترین راه، ما را از کج‌روی مصون نگه می‌دارد و انتخاب اخف و اسهل موجب می‌شود که در مصرف قوه و انرژی، صرفه‌جویی صورت پذیرد که همان تکیه بر ظرفیت‌های بومی و ملی است: «راه حل حقیقی، راه حل بومی است. باید بذر سالم خودمان را بپاشیم و مراقبت کنیم تا سبز شود، به دنبال تقلید از این و آن نباشیم، دنبال سخن گفتن با زبان و لغت بیگانه و عاریه‌گرفتن از تجربه‌های دست‌چندم آن‌ها نباشیم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۱۲).

در کنار استفاده از ظرفیت‌های بومی و نعمت‌های مادی و معنوی که نقش محوری و اساسی را در تمدن‌سازی دارند، توجه به اصل «استخدام و اجتماع» با توجه به مدنی بالطبع بودن انسان لازم و ضروری است که در بیانات مقام معظم رهبری به این نکته تأکید شده است که از اندوخته‌ها و ثروت ملی که در اختیار داریم، بیش‌ترین استفاده را ببریم و با در نظر گرفتن اقتضائات، شرایط و زمینه‌ها از تجربیات شرق و غرب و همه ملت‌ها و دستاوردهای علمی، فناوری‌های جدید، تجربه‌های درست و از همه آن‌چه در دنیای معرفت وجود دارد و به استقلال و شخصیت ما آسیب نزند، استفاده کنیم و مراقب باشیم چشم و گوش بسته و کورکورانه چیزی را از جایی نگیریم (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۹/۱۰ و ۱۳۹۰/۲/۱۴).

یکی از موانع در شکل‌گیری تمدن‌ها بی‌توجهی به علم و دانش است و شاخص اصلی در تمدن اسلامی قرن سوم و چهارم و تمدن نوین اسلامی علم می‌باشد که برای یادگیری آن مرز و محدودیتی وجود ندارد، حتی از غیر مسلمان باید آن را بیاموزیم. اصل متابعت علم، اصل پنجم اعتباریات قبل الاجتماع است.

مقام معظم رهبری علم را پایه تمدن و پیشرفت همه‌جانبه یک کشور می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴ و ۱۳۸۲/۲/۲۲) که هر کس آن را نداشته باشد، زیر دست است و هر کس به آن دست یابد، دست قدرتمند را خواهد داشت و اسلام بر خلاف غرب، علم روز را در خدمت انسانیت، عدالت، صلح و امنیت می‌خواهد (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۶/۱۲؛ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴ و ۱۳۸۲/۲/۲۲).

در اعتبار مطابقت علم با واقع، جامعه اسلامی با چالش‌ها و موانع زیادی در زمینه علوم انسانی مواجه است از جمله این که هنوز برخی از محافل علمی جهان اسلام درگیر اثبات وجود علوم انسانی یا عدم اثبات آن هستند، طبیعی است که در صورت بروز این مسائل اعتباریاتی در تضاد فرهنگ اسلامی خلق می‌گردد. رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید: «این علوم انسانی‌ای که امروز رایج است، محتوایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است، متکی بر جهان‌بینی دیگری است، حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۷/۲۹). موارد ذکر شده نمونه‌هایی از موانع و چالش‌های اعتباری پیش از اجتماع در ایجاد تمدن نوین اسلامی است. لذا از موانع اعتباری در تمدن‌سازی، رخوت در علم‌آموزی و تولید علم در آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه ایران و جهان اسلام است و اگر دست ملتی از علم خالی باشد، آن ملت نمی‌تواند توقع استقلال، عزت، امنیت، هویت و شخصیت را داشته باشد (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۶/۱۲).

بخش دیگر اعتباریات به بعد الاجتماع اختصاص دارد؛ مانند اصل ملک و تملیک، اصل کلام و سخن، اصل ریاست و مرئوسیت، اصل تساوی طرفین که نقش کلیدی در خلق اعتباریات دارند که بدون توجه به این اصول، سخن از ایجاد تمدن نوین اسلامی در حد شعار باقی می‌ماند. مجموعه اعتباریات بعد الاجتماع شکل‌دهنده بایدها و نبایدهای تمدن نوین اسلامی در زمان شکل‌گیری است. در چنین شرایطی نوع اختصاص‌ها و ملکیت‌ها، نوع زبان مشترک جهت تعامل و مفاهمه، نوع ریاست و مرئوسیت برای سلسله‌مراتب رهبری، هم‌چنین اصول تساوی برای رفتارهای دوجانبه و چندجانبه نیازمند خلق اعتباریات جدید متناسب با مبانی اسلامی است.

از منظر علامه ملک و تملک سرآغاز شکل‌گیری مناسبات انسانی تحت عنوان حقوق فردی و اجتماعی است که باید منافع و حقوق تک‌تک افراد و حتی حیوانات بر پایه جهان‌بینی و اصول اسلام تعیین و رعایت شود. بر پایه این جهان‌بینی، مالک و صاحب اختیار همه موجودات خداوند است و معرفت به این موضوع، استبداد، خودگرایی و کبر را نفی می‌کند و به انسان می‌گوید اگر خداوند به تو ثروت، علم و قدرت بخشیده است، وظایف و مسؤولیت‌هایی را هم بر دوش تو گذاشته است. مقام معظم رهبری با استدلال به توصیه رسول خدا ﷺ به سدید صیرفی که فرمودند: «یا سدید ما کثر مال رجل قطّ آلًا عظمت الحجة الله تعالی علیه» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۰۲)؛ ای سدید! اگر مال کسی زیاد شد، حجت خدا بر او سنگین و زیاد خواهد بود. ثروتمندان را موظف می‌دانند که ببینند برادران دینی آن‌ها چه حوایجی دارند و باید تلاش کنند تا مشکلات و حوایج آن‌ها را برطرف کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۲/۱۹) و از آن‌جا که یکی از بزرگ‌ترین موانع اعتباری تمدن‌ساز، فقر (مالی، علمی، معنوی، اخلاقی) است، بر عهده زبندگان، دانایان، ثروتمندان و نخبگان جامعه است، داشته‌های خود را برای پیشرفت جامعه به کار ببرند. زیرا از موانع اعتباری تمدن‌سازی اسلامی کم‌کاری و محروم‌ساختن جامعه از دارایی‌ها، دانایی‌ها و ثروت‌هاست.

اصل بعدی، اصل کلام و سخن است که زمینه ساخت الفاظ و بعداً زبان را فراهم می‌کند و اصلی است که پس از اجتماع مطرح می‌شود و در زمینه تمدن‌سازی پیشرفت در کلام و سخن نقش تعیین‌کننده و اساسی را دارد و همه منابع مکتوب، رسانه‌های تصویری، فیلم‌ها و فضای مجازی در این اصل دیده می‌شود. مقام معظم رهبری یکی از موانع پیشرفت را القای شبیهات و تلاش‌های رسانه‌ای معاندان می‌دانند و در توصیه به علما و روحانیون می‌فرمایند:

بعضی از افراد، بدون توجه به این مسؤولیت مهم، به بالای منبر می‌روند و حرفی می‌زنند، نه فقط گره‌ای از ذهن مستمع باز نمی‌کند که گره‌هایی هم به ذهن او می‌افزاید، اگر چنین اتفاقی افتاد ... بعداً چگونه جبران می‌شود؟ آیا اصلاً قابل جبران است؟ آیا خدا از ما خواهد گذشت؟ (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۳۱).

عدم پاسخ‌گویی یا پاسخ‌گویی نادرست به شبهات روشن‌فکران و جوانان به ویژه شبهات مربوط به نظام اسلامی از موانع اعتباری تمدن‌سازی می‌باشد. در عصر تمدن‌سازی، نیازمند به علمای متعهد، آشنای به زمان، شرایط و با کیفیت‌های بالا هستیم که پیام دین را به صورت برگزیده و با اندیشه‌ای خردمند و آگاه، منظم بیان کنند و لازمه این مهم، شناخت دنیا و اطلاع از پیشرفت‌ها و معارف آن و نیز آگاهی از شبهات و اشکالاتی است که در شکل‌های جدید مطرح می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۲/۲۳).

اصل ریاست و مرئوسیت نیز از اصول مهم مورد توجه علامه است و نقش و تأثیر مثبت و منفی کارگزاران و بزرگان در تمدن‌های بزرگ تاریخ بشر، بنیادین و اساسی است و تحولات بزرگ و حرکت‌های اصلاحی با رهبری پیامبران، مصلحان و خردمندان صورت گرفته است، برای ایجاد تمدن نوین اسلامی عمل‌کرد مسؤولان و مردم حائز اهمیت است. مقام معظم رهبری تلاش برای عدالت اجتماعی، پرکردن شکاف طبقاتی، فهم، درک و رفع نیازها و مشکلات مردم، سرعت در تصمیم‌گیری و عمل، حفظ دستاوردهای ملت، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و مبارزه با فساد را از وظایف مسؤولان می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۷/۲۲؛ ۱۳۸۴/۴/۷؛ ۱۳۸۴/۲/۱۴؛ ۱۳۷۵/۳/۱۴؛ ۱۳۸۹/۹/۱۰ و ۱۳۸۲/۲/۱۵).

بی‌عدالتی، بی‌برنامگی، تبلی، فساد و شکاف طبقاتی از موانع اعتباری مرتبط با نقش مسؤولان در ایجاد تمدن نوین اسلامی هستند. مقام معظم رهبری عدالت را در صدر هدف‌های اولیه بعثت‌های الهی می‌داند و در باره فساد می‌فرماید: «همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شر شیطان حرص بر حذر باشند و از لقمه حرام بگریزند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

اصل اعتباریات در مورد تساوی طرفین که مبادله‌ها، ارتباط‌ها و حقوق متعادل اجتماعی را شامل می‌شود و در آن انصاف، عدالت و رعایت حال عموم مردم باید مورد توجه قرار گیرد. مقام معظم رهبری عدالت را فریضه‌ای بر عهده همه به ویژه حاکمان و قدرتمندان می‌داند (همان) و بر رفع تبعیض و رعایت حال عموم مردم در قوانین و

برنامه‌ریزی‌ها تأکید دارند. خروج قواعد و قوانین مربوط به اعتبارات تساوی طرفین از مدار عدالت و احکام اسلامی از موانع اعتباری ایجاد تمدن نوین اسلامی است. از دیدگاه مقام معظم رهبری در زمینه اعتباریات بعد الاجتماع استفاده از تجارب جهان امروز لازم و ضروری است. ایشان می‌فرمایند:

امروز نوبت مسلمین است که با همت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده‌ریزی کنند. هم‌چنان‌که اروپایی‌ها آن روز از دانش مسلمین استفاده کردند، از تجربه مسلمین استفاده کردند، از فلسفه مسلمین استفاده کردند، ما [هم] امروز از دانش جهان استفاده می‌کنیم، از ابزارهای موجود جهانی استفاده می‌کنیم برای برپاکردن تمدن اسلامی؛ منتها با روح اسلامی و با روح معنویت، این وظیفه امروز ما است (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸).

بی توجهی به چگونگی ارتباط اعتباریات با واقعیت‌های خارجی

بخشی از نظریه اعتباریات به چگونگی ارتباط اعتباریات با واقعیت خارجی اختصاص دارد. علامه طباطبایی برای توضیح ارتباط اعتباریات با واقعیت‌های خارجی به پنج اصل اشاره می‌کند که عبارتند از اصل فعالیت و کنش‌گری، اصل تلاش برای بقا، اصل حرکت به سمت کمال، اصل تبعیت حرکت استکمالی از علم و فکر و اصل محوریت علوم اعتباری در استکمال صورت گرفته. این اصول همواره مورد توجه مقام معظم رهبری بوده است و در ارتباط با اصل فعالیت و کنش‌گری ایشان بر کار و فعالیت همه افراد، همراه با عشق و برای خداوند تأکید دارند و معتقدند اگر ملتی با عشق و برای خدا کار کنند، از زندگی عقب نخواهند افتاد و ذلت و اهانت نخواهند دید و کسی جرأت نمی‌کند به چنین ملتی زور بگوید (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۶/۲۹).

در اصل تلاش برای بقا، شاهد هستیم که هزینه‌های مالی و جانی زیادی برای ایجاد و بقای این انقلاب صورت گرفته است؛ بقای انقلاب و رسیدن به حیات طیبه و تمدن نوین اسلامی نیازمند رفع موانع داخلی و بیرونی است. موانع داخلی فاصله‌گرفتن از عدالت اجتماعی، راحت‌طلبی، فساد، تبعیض و رانت، بی‌کاری، اسراف، اختلاف و

تفرقه و هستند و موانع خارجی نظام سلطه و استعمارگران هستند که باید در مقابل آنها ایستاد (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۷/۱۵؛ ۱۳۶۸/۹/۲۹؛ ۱۳۷۹/۸/۲۴).

اصل حرکت به سمت کمال، اصل پیشرفت است که باید نقاط خلاً را به بهترین وجه پر کنیم و حرکت خود را به سمت هدف که حیات طیبه، زندگی گوارا، رفاه مادی همراه با عدالت، معنویت و اخلاق است، با قدرت ادامه دهیم (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۳/۵؛ ۱۳۷۰/۹/۲۷ و ۱۳۸۳/۱/۲).

در ارتباط با اصل تبعیت از علم و فکر، مقام معظم رهبری حرکت در مسیر تمدن‌سازی، تکامل، تولید و دستیابی به اهداف مادی و معنوی را نیازمند به جهاد علمی و سرمایه‌گذاری بر روی مسأله علم و فناوری و نخبه‌پروری در آموزش و پرورش و حوزه و دانشگاه می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۲/۸؛ ۱۳۸۹/۷/۱۴ و ۱۳۸۹/۶/۱۴). ایشان علم را پایه تمدن، پیشرفت، ابزار آبرو و اقتدار و دست برتر می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۲/۲۲؛ ۱۳۹۰/۱۱/۴ و ۱۳۹۴/۸/۲۰) و می‌فرمایند: «بنده در دفاع از جامعه نخبگان و از حرکت علمی کشور تا نفس دارم ذره‌ای کوتاه نخواهم آمد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۸/۲). ربط این اصول با ایجاد تمدن نوین اسلامی در این است که راه چگونگی و کیفیت ارتباط اعتباریات تمدن نوین اسلامی با واقعیت خارجی را بیان می‌کند. از یک سو نشان می‌دهد که فعالیت و کنش‌گری مبتنی بر بقا و حرکت به سمت کمال شکل می‌گیرد و از سوی دیگر، مبدأ و غایت حرکت جوامع انسانی بر اساس علم اعتباری آنها ترسیم می‌شود. نکته کاربردی این بخش از نظریه اعتباریات در تحلیل موانع اعتباری ایجاد تمدن نوین اسلامی در این است که کانون‌های تمدنی مغایر با هویت تمدن نوین اسلامی بر اساس اصول پنج‌گانه مطرح شده عمل می‌کنند؛ یعنی برای بقای خود تلاش می‌کنند، با اعتقاد به سمت کمالی که به آن معتقد هستند، پیش می‌روند و محور حرکت آنها در مسیر علم و فکر اعتباری است. با این توضیح هنگامی که متولیان و طرف‌داران ایده تمدن نوین اسلامی به کیفیت ارتباط علوم اعتباری خود با واقعیت می‌اندیشند، باید منتظر واکنش‌های تمدن‌های غیر اسلامی بود؛ زیرا بر اساس اعتباریاتی که دارند، خود را ملزم به تقابل و کنش‌گری در مقابل

تمدن نوین اسلامی می‌بینند. این بخش از نظریه علامه بحثی صرفاً انتزاعی نیست، در عالم واقع شاهد ارتباط اعتباریات غیر اسلامی با واقعیت‌های اجتماعی هستیم که به صورت هدفمند در مقابل ایده تمدن نوین اسلامی عمل می‌کنند و به اعتبارزدایی از اعتباریات تمدن نوین اسلامی مشغول هستند. به عبارت دیگر، مهم‌ترین اقدام کانون‌های تمدنی مغایر با هویت تمدنی اسلام، اعتبارزدایی از داشته‌ها و اعتباریات موجود امت اسلامی است. در این جا با توجه به آثار و اندیشه مقام معظم رهبری به چند نمونه از کنش‌گری (اعتبارزدایی) مخالفان و غیرت‌های تمدن نوین اسلامی اشاره می‌کنیم.

اعتبارزدایی از مبانی و اصول انقلاب اسلامی

ایده تمدن نوین اسلامی از ثمرات و نتایج انقلاب اسلامی است، این همان چیزی است که غیرت‌های تمدن نوین اسلامی به درستی آن را در یافته‌اند. برای حاشیه‌بردن این ایده به اعتبارزدایی از اصول انقلاب اسلامی و خط امام خمینی¹ پرداختند. از منظر مقام معظم رهبری، اصول و مبانی انقلاب اسلامی عبارتند از توحید، وحدت عالم اسلامی، اهتمام به معنویت، عبث‌نبودن خلقت انسان، اصل نه شرقی، نه غربی، رجوع انسان به خدا، ابتدای همه امور بر قوانین اسلام، عدالت اجتماعی اسلامی و مردمی بودن (خامنه‌ای، ۱۳۶۷/۱۱/۱۲).

از آن جا که اصول انقلاب و خط امام بر مبنای قرآن و سیره امامان معصوم : است، تجدید نظر یا چشم‌پوشی از این اصول، مساوی است با جدایی از قرآن و اهل بیت :، این جدایی چیزی است که غیرت‌های تمدن نوین اسلامی آن را دنبال می‌کنند، دشمنان انقلاب اسلامی می‌دانند اشعه‌ای از این اصول، تمدن اسلامی قرن سوم و چهارم هجری را به وجود آورد. قطعاً این اصول، همان‌گونه که انقلاب را تا به این جا به سلامت به جلو برده است، می‌تواند تمدن‌ساز باشد و جدایی از این اصول، تمدن‌سوز است. در واقع علت عارض شدن ضعف بر پیکره تمدن اسلامی در قرون اولیه، اعتبارزدایی از مبانی اسلامی بود، بر همین اساس، از دیدگاه مقام معظم رهبری

برای برداشتن موانع ایجاد تمدن نوین اسلامی باید از اصول انقلاب اسلامی و خط امام به مثابه یک قطب‌نما حفاظت گردد و از اعتبارزدایی آن‌ها جلوگیری شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۳/۱۴).

اعتبارزدایی از سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی و فرهنگ هر جامعه برآمده از اعتباریات مورد پذیرش آن جامعه است. برای تغییر در سبک زندگی لازم است اعتباریات جامعه مورد نظر تغییر یابد. بر همین اساس، اعتبارزدایی از سبک زندگی اسلامی به صورت گسترده از سوی تمدن غرب در دستور کار قرار گرفته است: «صدر جهان‌بینی، فرهنگ و رسوم و عادات، یکی از به اصطلاح لوازم و تبعات این نظام سلطه است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۳/۱۷). از جمله اهداف ایده‌هایی؛ مانند جهانی‌شدن و دهکده جهانی، اعتبارزدایی از سبک زندگی فرهنگ‌های مستقل است. «جهانی‌شدن یعنی زیر بار فرهنگی که چند قدرت بزرگ توانسته‌اند بر اقتصاد دنیا، بر سیاست دنیا، بر امنیت دنیا تحمیل بکنند رفتن» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۷/۲۸).

خانواده نخستین پایگاه تعلیم‌دهنده سبک زندگی است. بیش‌ترین تلاش‌ها بر اعتبارزدایی از ارزش‌های خانواده متمرکز شده است. مقام معظم رهبری در اهمیت نقش خانواده می‌فرماید: «خانواده واحد بنیادی و سنگ بنای جامعه اسلامی و کانون رشد و تعالی انسان و پشتوانه سلامت و بالندگی و اقتدار و اعتدالی معنوی کشور و نظام است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۶/۱۳). از نظر ایشان تمدن اسلامی توسط انسان‌هایی شکل می‌گیرد که در خانواده اسلامی تربیت شده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳). در نتیجه باید از اعتبارزدایی سبک زندگی اسلامی و خانواده اسلامی جلوگیری شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۶/۱۲). یکی از مصادیق موفقیت‌های تاریخی تمدن غرب در اعتبارزدایی از سبک زندگی اسلامی در اندلس اتفاق افتاد که با تغییر سبک زندگی، اندلس را از مسلمانان پس گرفتند:

اروپایی‌ها وقتی خواستند اندلس را از مسلمانان پس بگیرند، اقدامی

بلندمدت کردند. آن‌ها به فاسدکردن جوانان پرداختند و در این راستا انگیزه‌های مختلف مسیحی، مذهبی یا سیاسی داشتند. یکی از کارها این بود که تاکستان‌هایی را وقف کردند تا شراب آن‌ها را به طور مجانی در اختیار جوانان قرار دهند! جوانان را به سمت زنان و دختران خود سوق دادند تا آن‌ها را به شهوات آلوده کنند! گذشت زمان راه‌های اصلی برای فاسد یا آبادکردن یک ملت را عوض نمی‌کند. امروز هم آن‌ها همین کار را می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۲/۶).

اعتبارزدایی از تهدیدهای دشمن

از تأثیرگذارترین و نامرئی‌ترین موانع در ایجاد تمدن نوین اسلامی، اعتبارزدایی از تهدیدهای دشمنان امت اسلامی است؛ یعنی تهدیدهای دشمن را ندیدن و یا از آن‌ها به عنوان خدمت یادکردن، تمدن غرب با هوشمندی به اعتبارزدایی از تهدیدهای خود مشغول است و چنان القا می‌کند که دوستدار حقوق امت اسلامی است و برای دمکراسی و خدمت در کشورهای اسلامی دخالت می‌کند. از نتایج و آسیب‌های اعتبارزدایی از تهدید دشمن، اعتمادکردن به دشمن است. مقام معظم رهبری در مناسبت‌های متعدد همواره با تعبیری مختلف همگان را از اعتماد و تکیه بر دشمن و اعتبارزدایی از دشمن بر حذر داشته‌اند: «به آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها و مواضع آن‌ها به هیچ وجه نمی‌توان اعتماد کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۷/۱۲).

این اعتمادکردن به دشمن و وعده دشمن به ما ضربه می‌زند آن وقتی که بحث کار با بیگانگان است، باید با دقت تمام، روی جزئیات تکیه کرد و ملاحظه کرد و وسواس به خرج داد و احتیاط به خرج داد؛ نباید به این‌ها اعتماد کرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۳/۲۲).

در برهه کنونی، دشمن شماره یک انقلاب و تمدن نوین اسلامی آمریکا است که امام خمینی 1 فرمودند: «آمریکا شیطان بزرگ است» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۴۸۹).

نتیجه گیری

در این مقاله با محور قراردادن نظریه اعتباریات علامه طباطبایی و موانع اعتباری ایجاد تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری مورد واکاوی و پژوهش قرار گرفت. نتیجه پژوهش این گونه قابل ارائه است که ایجاد تمدن نوین اسلامی بیش از هر چیز نیازمند خلق و وضع اعتباریاتی است که هر تمدنی برای ایجاد و بقا، به آنها نیازمند است. در این پژوهش بی توجهی به اعتباریات مذکور به عنوان مانع و چالش اصلی ایجاد تمدن نوین اسلامی مورد توجه قرار گرفت. غلبه بر موانع و چالش‌های مذکور در گام اول نیازمند درک و فهم این نیاز از سوی طرفداران ایجاد تمدن نوین اسلامی است، پس از آن توجه به کثرت و انقسامات اعتباریات برای شناخت و برآورده کردن نیازهای متعدد تمدنی لازم و ضروری است. هم‌چنین توجه به چگونگی ارتباط اعتباریات با واقعیت، متولیان تمدن نوین اسلامی را با واقعیت‌های موجود و میدانی امت اسلامی آشنا می‌کند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، جمال الدین، لسان العرب، ج ۲، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۳. امام خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، ج ۱۰، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی، پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار آیه‌الله العظمی خامنه‌ای: www.khamenei.ir
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه لطیف راشدی و سعید راشدی، قم: پیام علمدار، ۱۳۸۹.
۶. جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۵، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.
۷. جعفری، یعقوب، تاریخ اسلام از منظر قرآن، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۶.
۸. حائری، عبدالهادی، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰.

۹. حسنی، مجتبی و تاجه‌بند، علی‌رضا، **جنگ اقتصادی**، تهران: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۹۵.
۱۰. دورانت، ویل، **تاریخ تمدن**، ج ۱، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
۱۱. زرشناس، شهریار، **توسعه**، تهران: نشر کتاب صبح، ۱۳۸۰.
۱۲. شهیدصدر، محمداقبر، **سنت‌های تاریخ در قرآن**، ترجمه سیدجمال‌الدین موسوی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۳، ۱۳۸۱.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین، **اصول فلسفه و روش رئالیسم**، ج ۲، تهران: صدرا، ۱۳۶۲.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، **الامالی**، قم: دارالتقافة، ۱۴۱۴ق.
۱۵. لوکاس، هنری، **تاریخ تمدن**، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، ج ۱، تهران: مؤسسه کیهان، ۱۳۶۶.
۱۶. مکی، محمد کاظم، **تمدن اسلامی در عصر عباسیان**، ترجمه محمد سپهری، تهران: سمت، ۱۳۹۲.
۱۷. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار شهید مطهری**، ج ۶، تهران: صدرا، ۱۳۷۶.
۱۸. مصباح یزدی، محمد تقی، **آموزش فلسفه**، ج ۱، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۸.
۱۹. ولایتی، علی اکبر، **پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران**، ج ۱، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۹۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 برتال جامع علوم انسانی